

## سازهای محلی اسلاوهای جنوبی

و

شباهت آنان با سازهای محلی شرق زمین

از امیر اشرف آریان پور

از اوایل قرن نوزدهم در سرزمین اسلاوهای جنوبی (یوگسلاوی فعلی) به موسیقی محلی توجه شد. ابتدا گروهی به جمع آوری اشعار ترانه های محلی و آوازهای ملی پرداختند، سپس موسیقی ترانه ها مورد توجه قرار گرفت و در نیمه دوم قرن نوزدهم و کوهاج، مجموعه ای از ترانه های محلی را جمع آوری و چاپ کرد.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم گروهی به مطالعه سازهای محلی پرداختند و بزودی انواع این سازها گردآوری و درآموزه ها نگهداری شد؛ کتبی نیز در زمینه ساختمان و نحوه اجرای سازهای محلی برشته تحریر درآمد. نوازندگان موسیقی محلی در همه جا سازهای خود را شخصاً می سازند و بسلیقه خود آنرا تزیین می کنند و به همین دلیل است که بندرت دوساز محلی بیک

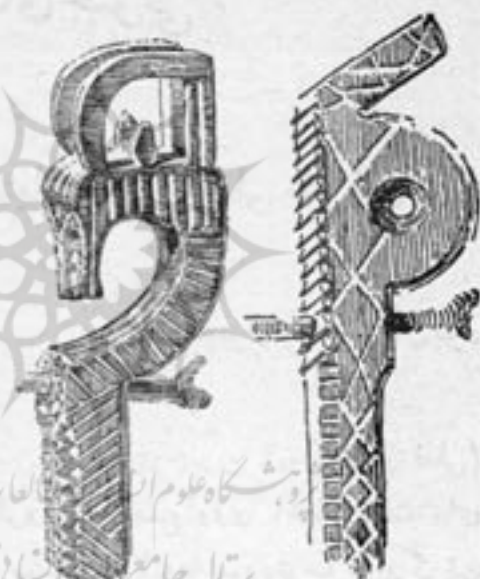
اندازه دیده می شود .

نگارنده را قصد آن نیست که در يك مقاله به کلیه سازهای محلی اسلاوهای جنوبی اشاره نماید و بناچار تنها برخی از این سازها را - که از لحاظ شکل ظاهری به سازهای مشرق زمین بی شباهت نیستند - معرفی می کند.



«گوسلا»

قدیم ترین ساز محلی اسلاوها «گوسلا» (Gusla) نام دارد. این ساز زهی که هنوز هم شکل قدیمی خود را حفظ کرده است شباهتی به کمانچه دارد .



دو نمونه از دسته «گوسلا»

طول آن در حدود يك متر است و آنرا از يك قطعه چوب سخت می سازند. کاسه طنین گوسلا پر حجم و دسته آن بلند است و غالباً بسرخپوانی ختم می شود . گوسلا فقط يك سیم دارد و بوسیله آرشه ای کمانی شکل که از موی دم اسب ساخته شده ، نواخته می شود. وزن ساز در حدود نهمصد تا هزار گرم است.

این ساز بیشتر با آواز همراه است و معمولاً خواننده و نوازنده یک نفر می باشد . مضمون ترانه ها متفاوت است . گاه گوسلا نواز با خواندن اشعار حماسی جوانان را به دلاوری تشویق می کند و زمانی با زمزمه شعری عاشقانه اشک از چشم شنوندگان جاری می سازد .



در دوره تسلط ترکان عثمانی بر سرزمین اسلاوها نوازندگان گوسلا از شهری به شهری دیگر کوچ می کردند و با خواندن اشعار قهرمانی مردم را به مبارزه با ترکان و مقاومت در برابر آنان تشویق می کردند . بهمین جهت غالباً بزندانی می افتادند و شکنجه می دیدند . با فرارسیدن آزادی زندگی همیشگی گوسلانوازان از نو آغاز شد ؛ باز شهرها و دهات دور افتاده را زیر پا می گذاشتند ؛ زمانی به راهنمایی مردم می پرداختند و یا به جوانان نوازندگی می آموختند . مردم نیز از آنها استقبال می کردند و آنان را « قهرمانان ناشناخته آزادی » می نامیدند .

در فاصله دو جنگ جهانی بخاطر حفظ سنن قدیمی و جلوگیری از

فراموش شدن این ساز غالباً مسابقاتی ترتیب داده می شد که در آن هشتاد الی نود اجراکننده از نواحی مختلف شرکت می کردند . در سال ۱۹۲۷ این مسابقات در بلگراد انجام شد و در ۱۹۲۹ در واسکوپیه .

بعد از سال ۱۹۴۵ مضمون اشعار گوسلانوازان تنوع بیشتری یافت و از آن پس بیشتر بشرح جنگ های پارتیزانی و قداکاریها و جان بازی های جوانان یوگسلاوی می پرداختند . برای آشنائی بیشتر خوانندگان عزیز با این ساز

نمونه‌ای از موسیقی و قسمت آوازی گوسلا ذکر می‌شود :

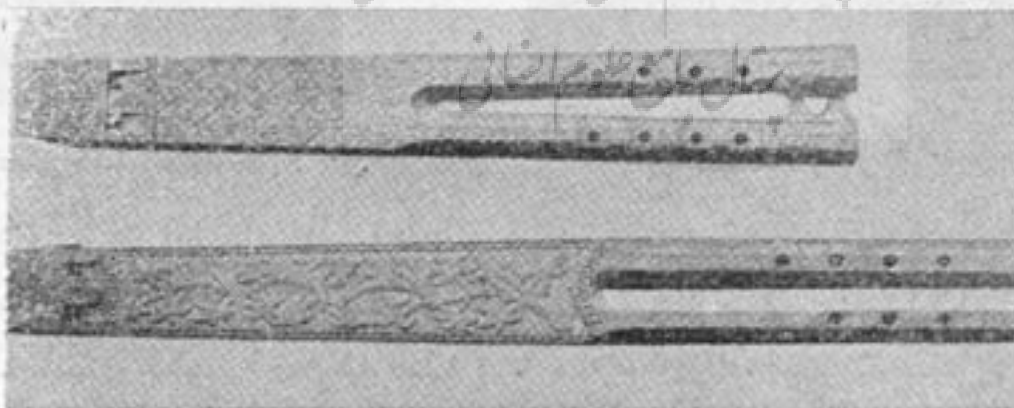
Gusle

Oi — gusle mo-je, da-vo-ri-jo mo-ja, di li blamo,  
 di l'se sa-sta-dos-mo! A-li sa-da, da si za-gu-sli-mo pjesmu od ja - na-ka i-li dje-vo-  
 ja — ka

ترجمه اشعار بالا بقرارد زیر است : «گوسلای عزیزم، ترانه من ، کجا بودیم و از کجا می‌آئیم؟ اما حالا می‌خواهیم گوسلا بنوازیم و ترانه‌ای در وصف پهلوان و معشوقه‌اش بخوانیم ...»

یکی از جالب‌ترین سازهای اسلاوها و نی دودخانه ، یا Dwojnice

پروفسور نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



نی دو دهانه

می‌باشد، این ساز چوپانی هنوز موجود است و در اعیاد مذهبی در بازارها فروخته

می‌شود؛ اما امروزه بیشتر مورد استفاده کودکان و وسیله سرگرمی آنان است و غالباً سرودهای دبستانی را همراهی می‌کند. نی دودخانه در مصر و یونان قدیم نیز موجود بوده و در برخی از آثاری که از آن دوران باقی مانده مرد یازنی در حال نواختن این ساز می‌باشد.

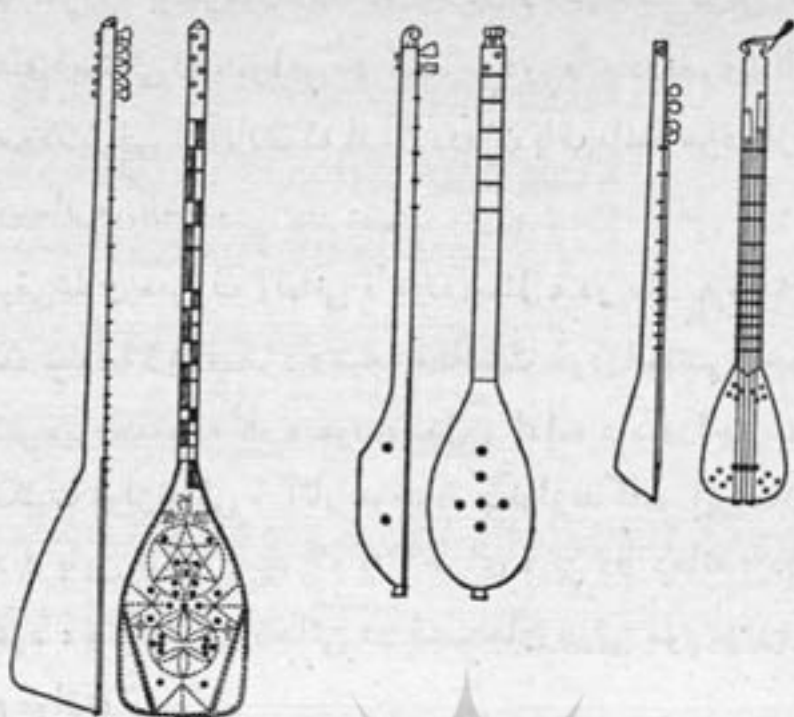
موسیقی‌شناس معروف آلمانی «هورن بسترل» در سال ۱۹۰۸ راجع به «نی دودخانه» مطالعه زیادی کرد و نتیجه مطالعات خود را منتشر ساخت. در سال ۱۹۳۰ دکتر «برومسه» به کار «هورن بسترل» ادامه داد و راجع به چگونگی ساختن، تکنیک نوازندگی، آثار موجود و نوازندگان این ساز تحقیقات جالبی کرد و باین نتیجه رسید که در اجرای «نی دو دهانه» دو نوع کاملاً حاصل می‌شود: متفاوت دو صدائی در قسمت‌های غربی سوم موازی و در سایر نواحی دوم موازی.

بطوریکه گذشت «نی دودخانه» ساز مخصوص چوپانان است و آنان در تنهائی و سکوت دشتها فراغت کافی دارند تا جدار خارجی ساز را به میل خود تزیین کنند و روی آن نقش‌ها و طرح‌های زیبایی بیافرینند.

در اواسط قرن نوزدهم یکی از اهالی یوگسلاوی بنام «ماتیاس گولیا» در شهر بادن (نزدیک وین) زندگی می‌کرد. این مرد در نواختن «نی دودخانه» مهارت عجیبی داشت و بزودی بعنوان نوازنده دربار سلطنتی اطریش استخدام گردید. «گولیا» روز دهم سپتامبر ۱۸۶۶ در شهر بادن درگذشت و باتشریفات خاصی بخاک سپرده شد.

تنها ساز اسلاوهای جنوبی که در قرن نوزدهم رواج بسیار یافت تنبور می‌باشد. این ساز ظاهراً از ایران به ترکیه برده شده و در دوره تسلط ترکان بر اروپای مرکزی، در آن دیار راه یافته است. تنبور ساز مورد علاقه جوانان بود و از جمله در شعری از آن یاد شده است:

«تنبور دزد روزانه من، تو عامل اصلی گمراهی و بیچارگی من هستی. من روزها و سالها را بیهوده از دست میدهم و فقط باین دلخوشم که زیر پنجره محبوبه بی‌وفایم آواز خوانده تنبور بنوازم...»



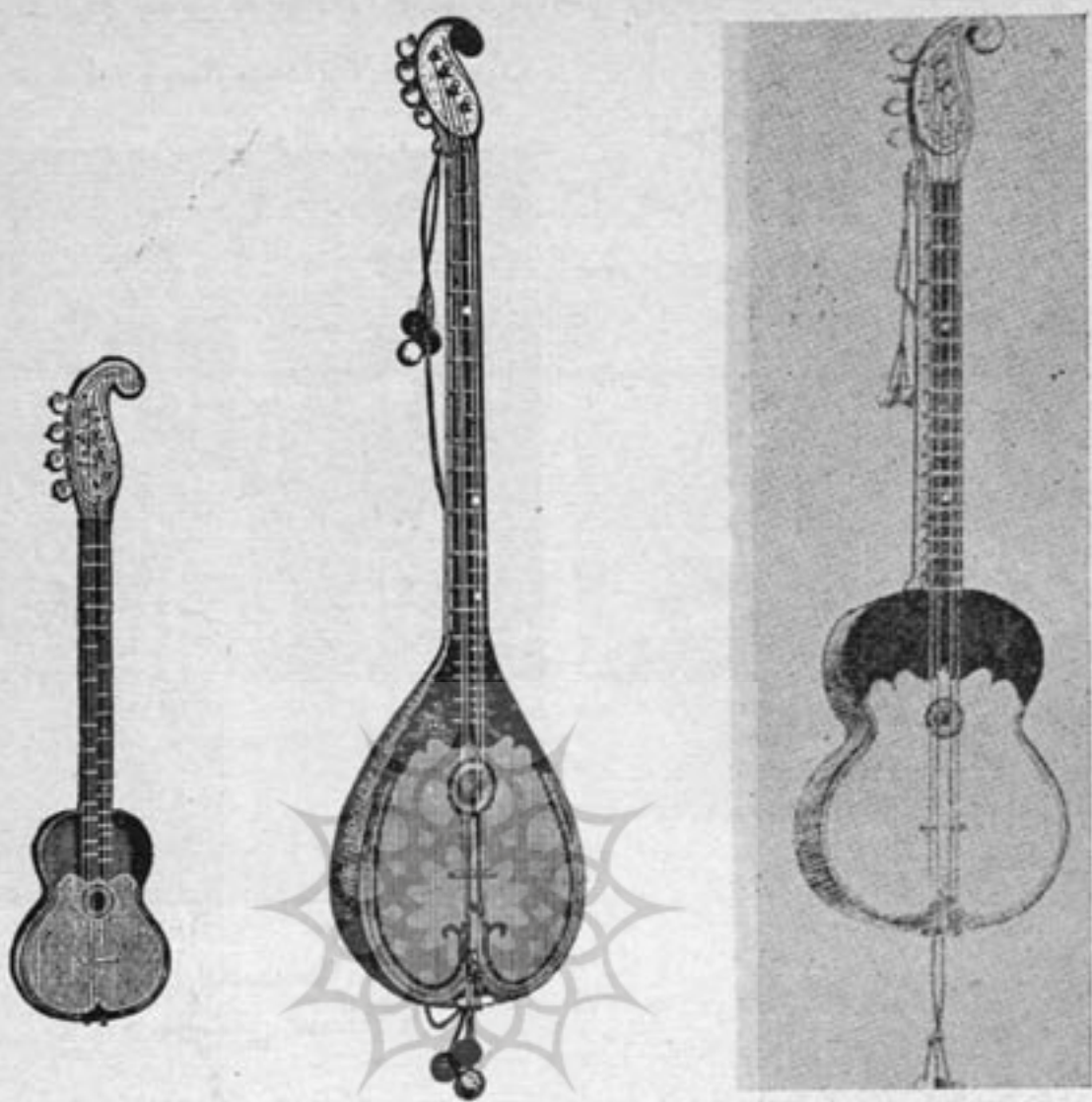
### تنبور

تنبور کاسه طنینی کم حجم و دسته بلندی دارد و معمولا دارای چهار سیم است. این سیمها بوسیله مضراب یا زخمه به ارتعاش درمی آید و از آن صدای مطبوع و لطیفی شنیده می شود.

اسلاوها در حدود سال ۱۸۵۰ تنبور را بعنوان ساز ملی خود انتخاب کردند و از آن بیعد روز بروز بر علاقمندان این ساز افزوده شده است.

از سایر سازهای زهی اسلاوها که از قرن نوزدهم مورد توجه قرار گرفت می توان «بی سرنیکا» (Bisernica) با ۵۵ سانتیمتر طول، «براک» (Brac) با نود سانتیمتر و «بوگاریجا» (Bugarija) را - که بیشتر برای همراهی آواز بکار می رود - نام برد. این سازها بوسیله زخمه نواخته می شود.

مهم ترین ساز ضربی اسلاوها طبل بزرگ و دایره است. این دوساز از قرون وسطی بوسیله ترکها، کولیها و اسپانیولیها در سرزمین اسلاوها راه یافت و هنوز هم بدان شکل قدیم باقی مانده و بیشتر ضمن اجرای رقصهای محلی و نیز در موسیقی نظام مورد استعمال دارد.



از چپ بر راست: بی سرنیکا، براك و بوسکاريجا

طبل بزرگ از سازهای اصلی موسیقی نظامی ترکهای عثمانی بشمار  
 میرفت و اولین بار در سپاه معروف «ینی چری» بکار برده شد. این ساز و طبل  
 کوچک و سنج در نیمه اول قرن هیجدهم در اطریش رواج یافت و یادگار دوران  
 اشغال اطریش بوسیله ترکهاست. در سال ۱۷۸۲ طبل برای اولین بار در  
 ارکستر اپرای رکو کو راه یافت و بوسیله موزار در اجرای اپرای «دستبرد  
 در حرمسرا» بکار برده شد. چند سال بعد (۱۷۹۴) هایدن از این ساز در  
 «سنفونی نظامی» خود استفاده کرد.

تصویر شماره ۹ «آنسامل» اسلاوها را در سال ۱۸۸۰ نشان میدهد.

در این تصویر دو نوازنده مشغول نواختن ویولون می باشند ، سومی تنبور  
می نوازد و چهارمی دایره بدست دارد .

افسوس که با پیشرفت صنعت و رواج  
رادیو در شهرها و دهات ، موسیقی



«آسامیل» اسلاوها



دو نوازنده در حال اجرای  
« موسیقی رمضان »

محلی اسلاوها کم رنگ موسیقی جنجالی غرب را بخود می گیرد و بزودی از  
نمونه های این هنر غنی و انواع سازها ، طبل جز در آدیشیوها و موزه ها اثری نخواهد  
ماند .

پرتال جامع علوم انسانی